



گذر از آموزش غیررسمی به
آموزش رسمی

دستم بگرفت و پابه پای برد

زری آقاجانی

اشاره

مسائلی در زندگی وجود دارند که ما روزانه و حتی سال‌ها با آن‌ها در ارتباط هستیم، ولی کمتر پیش می‌آید آن‌ها را بازنگری و از ابعاد متفاوت بررسی کنیم. یکی از آن موارد که ما مردم در همه جای این کره‌ی خاکی، دست کم در یک دوره‌ی ملموس از زندگی، با آن روبه‌رو هستیم و خیلی سهل از کنار آن می‌گذریم، موضوع «انتقال از آموزش غیررسمی به آموزش رسمی» است. اکنون وقت آن رسیده است که قالب‌های تجربی و ثابت را قدری به عقب برانیم و به مسائل آموزشی، به‌خصوص آموزش کودکان، از بعد پژوهشی بنگریم و از دستاوردهای پژوهشگران برای برنامه‌ریزی در امور گوناگون کشور بهره‌مند شویم. اگر چه ره هموار نیست، اما ره‌روان فکور قادرند راه را هموار و نظر را به عمل تبدیل سازند.

کلیدواژه‌ها: انتقال، نظام آموزش رسمی، دبستان.

تعریف انتقال

واژه‌ی «انتقال» تعریف مبسوطی دارد و با وجود افزایش توجه آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به آن، هنوز تعریف جامعی برای آن در نظر گرفته نشده است. شاید یکی از دلایل آن این است که پژوهش‌هایی درباره‌ی چنین موضوعی، بر اساس پژوهش‌های طولی انجام می‌شوند و شرایط روحی روانی و رفتاری و به‌خصوص تجربیات کودکان مورد مطالعه، با

گذشت زمان دستخوش تغییرات می‌شوند (کر، ۲۰۰۹)، برای مثال، کودکانی که در ابتدای انتقال دچار مشکل بودند، بعداً به راحتی آن را پذیرفتند، ولی آنان که در ظاهر بدون هیچ مشکل خاصی وارد این مرحله شدند، به مرور مشکلات زیادی از نظر آموزشی و رفتاری پیدا کردند که می‌توان از آن به‌عنوان مشکلات مرتبط با انتقال نام برد (پیتز، ۲۰۰۵). برخی انتقال را گذر از یک مکان، مرحله، دوره، سبک، موضوع و وضعیت در یک دوره‌ی زمانی می‌دانند. اخیراً بعضی با توجه به ارتباط خیلی خاص آن با آموزش پیش‌دبستانی، آن را زمان بین اولین برخورد در آموزش تا آخرین مرحله‌ی آن در ورود به دانشگاه تعریف می‌کنند. برخی از صاحبان تعلیم و تربیت (کاگان، ۱۹۹۱) نیز تعریف خطی و طولی برای آن در نظر گرفته‌اند. انتقال خطی برای کودک شامل تغییرات بین چیدمان‌های آموزشی مانند پیش‌دبستان با مدرسه و یا بین خانه تا پیش‌دبستان است، در حالی که انتقال طولی در برگیرنده‌ی گذرهای کودک در میان زندگی روزانه است؛ مانند زمان‌های پس از مدرسه. یونیسف نیز بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته تعریف دیگری دارد و آن را نوعی آمادگی می‌داند که ابعاد آن شامل کودک، والد و مدرسه است. بدین ترتیب که کودک آمادگی رفتن به مدرسه باشد، مدرسه آمادگی پذیرفتن کودک تازه وارد باشد و والدین آمادگی فرستادن به موقع فرزندشان به مدرسه باشند و آمادگی تعامل با مدرسه را داشته باشند (یونیسف، ۲۰۱۰).

جمشید فرزند فردا هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد



انتقال از پیش دبستان به دبستان

موضوع انتقال از دوران پیش دبستان به مدرسه، در دنیای آموزش موضوع تازه‌ای نیست و تاریخچه‌ی بحث‌ها و بررسی‌های آن برمی‌گردد به سال ۱۸۵۲، زمانی که فردریک فروبل طرح تفصیلی ارتباط سازمان‌یافته‌ای را

بین آموزش پیش دبستان و مدرسه

مطرح کرد که بعدها به عنوان بحث

نظام‌مند انفصال و چگونگی

ایجاد پل ارتباطی بین شکاف

موجود گذر از یک سطح

به سطح دیگر ادامه پیدا

کرد. در دهه‌ی ۱۹۶۰، در

میان کشورهای اروپایی،

چگونگی انتقال آسان

کودکان از پیش دبستان به

آموزش ابتدایی حائز اهمیت

بود و علاوه بر آن، بحث اصلاحات

برنامه‌ی درسی واحد و برنامه‌ریزی از

پایین به بالا، یعنی از پیش دبستان تا دبیرستان، نیز

موضوع قابل توجه پژوهشگران در آن روزها بود (دانلوپ و

فلیبان، ۲۰۰۷).

از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد، موضوع انتقال و همکاری

مورد توجه پژوهش‌ها قرار گرفت. (مارگنس، ۲۰۰۲. دوکتس

و پری، ۲۰۰۷).

در سال‌های اخیر، به موضوع بررسی انتقال از دید کودک

توجه خاصی شده است. بررسی‌های انجام شده (بروستورم،

۲۰۰۱؛ ۲۰۰۸) درباره‌ی اظهارنظرهای کودکان در مورد انتقال

از پیش دبستان به دوره‌ی ابتدایی بیان می‌کنند که کودکان

انتظار دارند در مدرسه بیشتر از مهدکودک بازی کنند و

فعالیت‌های علمی انجام دهند. همچنین، آنان می‌دانند که در

مدرسه قوانین و مقررات تازه‌ای وجود دارد که باید به آن‌ها

احترام بگذارند و خودشان را با آن‌ها سازگار کنند. اشاراتی به

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش‌ها، هر چند مختصر، خالی از

لطف نخواهد بود (داکوت و پری، ۲۰۰۷)

● شروع مثبت مدرسه پیامدهای مثبت آموزشی و

اجتماعی در پی خواهد داشت؛

● تصور کودکان از خودشان به عنوان یادگیرنده، از تجربیات

مدرسه‌ای آنان متأثر خواهد بود؛

● به دلیل آنکه مدرسه برای هر کودک مسئولیت‌ها، تجربه

و فهم گوناگونی را در پی دارد، در نتیجه، در پدیده‌ی انتقال

نیز تجربه‌ی هر کودک با دیگری متفاوت خواهد بود؛

● کودکانی که در محیط خانه و مدرسه تجربیات مشابهی

پیدا می‌کنند، دوره‌ی انتقال به مدرسه برایشان آسان‌تر

می‌شود.



انتقال در نظام آموزشی

در نظام آموزشی، عبارت انتقال به چند مرحله‌ی اصلی اشاره دارد. دوره‌ی انتقال از پیش دبستان به دوره‌ی ابتدایی نیز اخیراً مورد توجه محافل آموزشی واقع شده است و به عنوان یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های انتقال در نظر گرفته می‌شود که در فردای آموزش، اجتماع و اقتصاد بسیار اثرگذار است. در حالی که در طول این انتقال دانش‌آموزان تجربیات متفاوتی را از نظر موفقیت‌های پایه‌ای تجربه می‌کنند، مراحل انتقال، توجه ویژه‌ای روی مربیان و اصلاحات مدرسه دارد، زیرا دانش‌آموزان منتقل شده، غالباً تغییرات معنادار علمی، اجتماعی، عاطفی، فیزیکی و رشدی را تجربه می‌کنند که به طور نامطلوب روی عملکردشان اثر می‌گذارد. برای مثال، در مراحل انتقال، دانش‌آموزان از یک مدرسه‌ی آشنا به مدرسه‌ای ناآشنا می‌روند؛ جایی که با معلمان و همسالان و انتظارات آموزشی و مشکلات اجتماعی و حتی فضا و ترکیبات متفاوتی مواجه می‌شوند که احساس فشار، اضطراب، ناامیدی و ناامنی را تاحدی افزایش می‌دهد. بدین منظور، مدارس برای انتقال آسان و موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان راهکارهای آموزشی، پرورشی و سازمانی گوناگونی را در نظر می‌گیرند؛ همانند سیستم‌های اطلاع‌رسانی اولیه، برنامه‌های پیونددهنده‌ی تابستانی و برنامه‌های ارتقا محور.

مشکلات انتقال از پیش دبستان به دبستان

پژوهش‌های بین‌المللی بیان می‌کنند انتقال از پیش دبستان به دبستان، برای کودکان اگر آسیب‌زا نباشد گاهی مشکل‌ساز خواهد بود؛ به‌خصوص برای کودکان با شرایط غیرعادی، مانند کودکان با نیازهای آموزشی ویژه یا خانواده‌های از هم گسیخته. وقتی کودکان از پیش دبستان یا خانه وارد محیط دبستان می‌شوند، نوعی تغییر هویت را تجربه می‌کنند؛ از روزگار کودکی در پیش دبستان تا وضعیت دانش‌آموزی در مدرسه. این بدان معناست که آنان باید به طریقی خاص رفتار کنند. قوانین و مقررات کلاس و همچنین زبان کلاس را یاد بگیرند و از آموزگار پیروی کنند. کودکان تازه وارد در مدرسه با فضای فیزیکی پهنای مواجه می‌شوند که باید در آنجا راهشان را هر چند مشکل، پیدا کنند. در دبستان محیط اجتماعی پیچیده‌تر است. تعداد زیادی دانش‌آموز وجود دارند که با کودکان پیش دبستانی مقایسه می‌شوند و بنابراین رقابت‌های زیادی وجود دارد. در دبستان، تعداد بزرگسالانی که با کودک ارتباط و تعامل داشته باشند، کمتر است. در دبستان کودکان استقلال کمتری دارند و مجبورند حرکات و جنب‌وجوش‌های فیزیکی‌شان را کنترل کنند. در مرحله انتقال، آنان با پدیده‌ی تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند که چالش‌های ناآشنایی دارد! یک مطالعه‌ی موردی روی چهار کودک پیش دبستانی با توانمندی‌های مناسب مانند حس استقلال، کنجکاوی و جست‌وجوگری همراه با تعامل مناسب با هم‌سالان نشان داد که آنان با ورود به دبستان در هفته‌های اول دچار احساس ناامنی، نگرش منفی و حالت انفعال شدند. اگرچه به‌نظر می‌آمد این کودکان شرایط لازم را برای ورود به مدرسه دارند، اما آنان در مدرسه احساس «راحتی» نداشتند، این وضعیت احساس سالم‌شان را تخریب و هیجان آنان را برای یادگیرنده خوب بودن در محیط جدید از بین برد.



عوامل مؤثر در انتقال

در مرحله‌ی انتقال فقط کودکان نقش ندارند، بلکه خانواده، مرکز پیش دبستانی، مدرسه و برنامه‌ی درسی انعطاف‌پذیر دخالت‌های قابل تأملی در این پدیده دارند. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، ماهیت زمینه و بستری که کودکان در آن وارد می‌شوند، در این باره نقش مهمی دارد. چنانچه ویژگی‌های فردی کودکان با محیطی که وارد می‌شوند هم‌خوانی نداشته باشد، اکثر آنان کم و بیش با مشکلات انتقال روبه‌رو خواهند شد. برای مثال، در کشوری چند قومیتی مانند ایران، زمانی که کودکان وارد محیط مدرسه می‌شوند، اگر با زبان و فرهنگ غالب در مدرسه ارتباط برقرار نکنند، به‌طور قطع

آسیب خواهند دید. در این شرایط، این مدرسه است که باید برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی، از قبل تدابیر لازم را در نظر گرفته باشد. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، در مشکلات انتقال موضوعات مالی و بضاعت خانواده‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. وضعیت اقتصادی نامناسب و کمبود امکانات در خانه باعث می‌شوند که کودکان با پیشینه‌های یادگیری ضعیف تا قوی وارد مدرسه شوند که این خود روند انتقال را با موانع و مشکل روبه‌رو می‌سازد.

با وجود همه‌ی مشکلات یاد شده، جای نگرانی نیست و می‌توان با کمک معلم، مسئولان مدرسه و خانواده، راه‌حل‌هایی پیدا کرد، اما این راه‌حل‌ها ثابت و همیشگی نیستند و هر سال به بازنگری و ارتقا نیاز دارند. در اینجا برخی از مهم‌ترین نقش‌های آموزگار عبارت‌اند از:

- برقراری ارتباط با ذخیره‌ی دانشی کودکان یا آورده‌های کودک از خانه و پیش دبستان به مدرسه؛
- فعالیت‌های ارزشیابی که بیانگر ماهیت یادگیری باشد و ساختار فرهنگی فعالیت‌های ارزشیابی؛
- ایجاد ارتباط بین آموزش‌های پیش دبستانی با مدرسه؛
- پرورش مهارت برقراری ارتباط و ایجاد روابط دوستانه در کودکان برای پیشگیری از پیامدهای منفی انزوا و نداشتن دوست؛
- توجه به تجربیات کودک از محیط مدرسه، مانند زنگ تفریح و استفاده از دستشویی؛
- ایجاد فرصت‌هایی برای بازی‌های کودکان که باعث افزایش تجربیات، ارتقای درک و فهم کودکان و همچنین گسترش دایره‌ی واژگان آن‌ها می‌شود؛
- آموزش درک مقررات بدون ایجاد فشار و سخت‌گیری؛
- کسب آگاهی درباره‌ی کودکان و والدین؛
- گسترش ارتباط خانه و مدرسه.

منابع

1. Britto, Pia Rebello. School Readiness: A conceptual framework, UNICEF, New York, 2010.
2. Broström, S. (2001). Jeg gar i første! fra børnehavetil hørnehavetklasse of til 1. klasse [I am from grade one! from preschool to kindergarden class and then to grade one]. Tech. rep., Danmarks Pædagogiske Universitet, Copenhagen.
3. Broström, S. (2008). Transition to school-liberation or adjustment. Keynote presentation at the European Early Childhood Education Research Conference, Stavanger.
4. Docke, S., & Perry, B. (2007). Transitions to School. Perceptions, expectations, experiences. Sydney: UNSW Press.
5. Dunlop, A.-W., & Fabian, H. (2007). Informing transitions in the early years. London: McGraw Hill.
6. Sally, Peters. (2009). Literature Review: Transition from Early Childhood Education to School. Report Commissioned by Ministry of Education
7. www.edglossary.org
8. www.educationcounts.govt.nz